

۱- واژه‌های دخیل در قرآن مجید

۲- فرهنگنامه قرآنی

از جمله مهمترین کتابهایی که خاورشناسان نامبردار، در باب واژه‌های قرآنی و ریشه آنها نوشته‌اند؛ یکی هم «واژه‌های دخیل در قرآن مجید» (The Foreign Vocabulary of The Qur'an) است که اینک ترجمه‌ای رسا و شیوا، از آن به فارسی در اختیار خواستاران است.

گزارنده کتاب به فارسی، دکتر فریدون بدره‌ای است که شایستگی و اهلیت خود را در ترجمه کتابهای کاملاً پژوهشی، پیش از این با ترجمه چند کار مهم فرنگی، از جمله «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» به اثبات رسانده بود.

از نگاهی سطحی، اما کنجکاوانه، به این کتاب، خواننده چنین درمی‌یابد که مترجم، بجز تسلط بر زبان و ادبیات انگلیسی و فارسی، بر موضوع ترجمه نیز، کاملاً احاطه دارد و از مقدمه‌ای که بر کتاب نوشته است، این نکته را بخوبی می‌توان فهم کرد. همان‌طور که ذوق سالم مترجم، باعث شده است که، برای کتاب، چنین عنوانی انتخاب شود که با ذوق فارسی‌زبانان بیشتر سازگار است تا ترجمه لفظی به لفظ عنوان اصلی کتاب.

غیر از «پیشینه کتاب» به قلم ناشر که در پیشانی کتاب آمده است و کمی بعد، به آن اشاره می‌کنیم، مقدمه مترجم و یادداشت‌هایی بر واژه‌های دخیل در قرآن از او (ص ۵-۳۱) و منابع و مأخذ مترجم برای نوشتن مقدمه (ص ۵۴ و مابعد)، پیشگفتار نویسنده کتاب (از ص ۵۷ به بعد)، واژه‌های دخیل (ط ۹۷-۴۲۳) و کتاب‌شناسی واژه‌های دخیل در قرآن مجید (ص ۴۲۵-۴۳۰) و فهرست اختصارات (ص ۴۳۰-۴۳۱) مباحث دیگر کتاب است.

اما در «پیشینه کتاب»، جمله‌های حق‌گزارانه ناشر را نسبت به استاد بزرگ دورانهای اخیر، مجتبی مینوی، می‌خوانیم که نخستین بار، اهمیت این کتاب را به ناشر گوشزد کرده بوده است و گفته بوده که: «کاش آدم باهمتی پیدا می‌شد و این اثر مهم را ترجمه می‌کرد.» ناشر سپس از سنگینی کار و دشواریهای چاپ چنین کتابی، به‌حق، سخن رانده است...

نباید ناگفته گذاشت که مقدمه گزارنده کتاب، همراه با یادداشت‌هایی بر واژه‌های دخیل در قرآن مجید، با همه فشرده و موجز بودن، بسیار عالمانه و دقیق نوشته شده است و به‌خودی‌خود، در حکم رساله مفردی است که خواننده - اگرچه متخصص هم باشد و اهل اطلاع - می‌تواند از آن مطالب بسیاری فراگیرد. زیرا، همه منابع و مراجع دست اول شناخته‌شده در باب موضوع کتاب، دقیقاً بررسی شده است و از هر یک، درست، در جای خود، برای تأکید مطلبی یا رد نکته‌ای سود جسته شده است.

اما، خود کتاب، آن‌طور که از نامش برمی‌آید؛ «تألیف و تحقیقی است درباره ریشه‌شناسی برخی از واژه‌ها و نام‌هایی که در قرآن مجید به کار رفته است؛ همراه با ذکر تحوّل صوری و معنایی آنها از صورت اصلی تا شکلهای قرآنی‌شان».

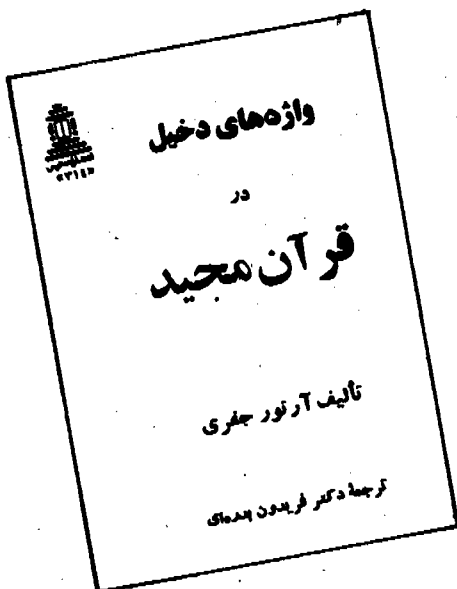
مؤلف در پیشگفتار کتاب به کوششهای علما و لغت‌شناسان مسلمان، در این زمینه اشاره کرده است و سپس جز از اسمهای خاص، نظریه دانشمندان ریشه‌شناس قدیم و جدید و نیز حاصل تحقیقات اخیر را، با آراء و نظریه‌های خود، در باب اصل و منشأ دوپست و هفتادوپنج کلمه دخیل (Loanwort/Loanword) دانسته شده است؛ به ترتیب الفبائی بیان کرده است.

همچنین، مؤلف بر مجموع کلماتی که در این تحقیق آمده است، از دیدگاهی دیگر، نگریسته و واژه‌ها را به سه گروه عمده، تقسیم کرده است: آنها که عربی نبودنشان مسلم است؛ واژه‌هایی سامی تبار که ریشه سه‌حرفی دارند و در زبان عربی به کار برده شده‌اند؛ اما در قرآن کریم به معنایی دیگر کاربرد داشته‌اند و سومین دسته، آنها که عربی اصیل هستند و در زبان تازی نیز استعمال گردیده‌اند؛ ولی در کلام خدا با معنایی دیگر به کار برده شده‌اند.

چاپ کتاب، با توجه به اوضاع کنونی طبع و در مدّ نظر داشتن دشواریهای بسیار، خوب است؛ اگرچه جا دارد در طبع بعدی، هم نقصهای ناگزیر این چاپ، رفع گردد و هم درباره بعضی از مواد کتاب، با استناد به تحقیقات تازه، تجدید نظری مختصر شود. بی‌شک خواستاران این‌گونه کتابها، سپاسمند همت مردانه گزارنده‌اند.



کتاب دیگر «فرهنگنامه قرآنی» است که جلد اول و دوم آن، اینک منتشر شده است. این کتاب، فرهنگ برابرهای قرآن مجید است بر اساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن، محفوظ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. کتاب خوانها و کتاب‌شناسان، به‌خوبی می‌دانند که گنجینه‌ای بی‌همال از قرآنها خطی، به‌مرور زمان، در آستان قدس، فراهم شده است که شمار گوهرهای ارزشمند آن، بیش از چهار هزار نسخه است. از این تعداد، برخی دارای معادلهای فارسی هستند که گذشته از



ارزشمندی قرآنی، از دیدگاه زبان فارسی نیز، بی‌اندازه پراهمیت می‌باشند.

چه، هر مترجمی کوشیده است تا برای هر یک از واژه‌های قرآنی، دقیق‌ترین معادل‌ها را بیابد و این دقت توأم با وسواس، باعث شده است که شماری نه‌چندان کم، از کلمه‌های فارسی را در این قرآنهای مترجم می‌توان یافت که در هیچ کتابی ضبط نشده است و در باب آنها، کسی پژوهشی نکرده است و توضیحی نداده.

از دیگر سو، برای کسانی که با کتاب خدا مانوسند و می‌خواهند معنی هر آیه را به‌درستی بفهمند تا بتوانند به‌دیگران بفهمانند؛ چنین مجموعه‌ای گرانها که نتیجه سالها تلاش و کوشش مورچه‌وار گروهی از انسانهای مؤمن و غالباً ناشناخته است؛ بیشترین یاریها را می‌رساند.

نکته‌های دستوری و بلاغی نیز در این ترجمه‌ها بی‌شمار است و همتهائی مردانه لازم است که نکته‌های ناشناخته را در هر مورد باز یابند و باز شناسند. فقر مادر رشته‌های ادبی، کاملاً آشکار است و چنین پژوهشهایی، ممکن است عده‌ای را بر سر شوق آورد و به کارهای سنگین تحقیقی وادارد.

خلاصه آنکه، چنین ترجمه‌های دقیقی، نه‌تنها، «گنجینه لغات فارسی» را بسیار غنی و توانمند می‌سازد؛ سهل است، بلکه برای تدوین دستور و سبک‌شناسی، تاریخ ادبیات، معانی، بیان و... فارسی نیز کاملاً به‌کار می‌آید. نگاهی سطحی به ترجمه‌هایی که در دوسه قرن اخیر، از قرآن مجید، به «فارسی» شده است؛ لزوم تدوین و تألیف و چاپ چنین مجموعه‌هایی را، به‌خوبی، روشن می‌کند....

«فرهنگنامه قرآنی» نتیجه اعتقاد و ذوق مرحوم دکتر احمدعلی رجائی بخارانی است که با ماده از گنجینه ارزمند آستان قدس، در اواسط سال ۱۳۴۸ شمسی - یعنی تقریباً یک ربع قرن - سازمان «فرهنگنامه قرآنی» را در بخش امور فرهنگی آستان قدس، پی افکند تا بتواند با یاری آری از شاگردان کوشای خویش، فرهنگی عربی-فارسی، بر اساس ترجمه‌های فارسی قرآنهاى بیست‌ساله موجود تألیف کند.

آقای دکتر محمدجعفر یاحقی - یکی از دستیاران دکتر رجائی - در همان اوقات، در باب بیست سازمان فرهنگنامه قرآنی مقاله‌ای در نامه آستان قدس (دوره هشتم، شماره چهارم) نوشت و بیست این کار را برشمرد.

تدوین فرهنگنامه قرآنی، از آن زمان، با دستور کاری که مرحوم رجائی نوشته بود، شروع شد. چندسالی از آغاز کار نگذشته بود که دکتر رجائی به عللی از کار کناره گرفت و سازمان فرهنگنامه در سال ۱۳۵۳ تعطیل شد. یعنی، این مؤسسه نیز مانند هر مؤسسه مفید و بایسته دیگر، در محاق میل افتاد. اما، از بخت نیک، فیشها و یادداشتهای فرهنگنامه قرآنی، دست نخورده باقی ماند که آن، از آنها، برای تألیف فرهنگنامه، به دست «گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهشهای اسلامی» با ریاست دکتر یاحقی، استفاده می‌گردد. آقای یاحقی، در مقدمه جلد اول، به تفصیل، در باب فرهنگهای فارسی قرآن کریم، ترتیبهای گوناگون در تنظیم فرهنگهای قرآن، فرهنگنامه قرآنی، ضوابط یک واژه‌های قرآنی و معانی آنها و نیز بسیاری از مطالب دیگر سخن رانده است و سابقه سازمان فرهنگنامه قرآنی و دشواریهای کار را نموده و جدولی در معرفی اجمالی قرآنهاى خطی فرهنگنامه قرآنی و عکس چند نمونه از قرآنهاى فرهنگنامه را افزوده است تا خواننده کتاب بداند که هر لغت و ملاحی از کدام قرآن مترجم، با چه مشخصاتی برگرفته شده است.

«فرهنگنامه قرآنی»، الفبائی است و مجلد دوم به حرف «ش» پایان می‌پذیرد.

آنگونه که پیش از این نیز گفته آمد، این کتاب، هم ابزار کار بسیار دقیق کسانی است که در زمینه پژوهش می‌کنند و هم گنجینه پرارزشی است برای غنی‌تر کردن زبان و ادبیات والای فارسی. بی‌صبرانه چشم داشت که مجلدهای دیگر این کتاب داشتنی و خواندنی، با همین پاکیزگی و شگفتی، هر چه زودتر به دست خواهندگان برسد. شکی نیست که استفاده کنندگان از این کتاب، شش و تلاش مردانه مؤلفان و نظارت کننده محترم را قدر می‌دانند و از دشواریهای کار آنها اطلاع